

ریشه تفاوتی که کارکرد انتخابات در دو نظریه مردم سالاری دینی و دموکراسی غربی دارد در چیست؟

امتیاز نظام جمهوری اسلامی ایران در میان نظام‌های دیگر حکومتی در عصر معاصر، برخورداری این نظام از دو ویژگی «خدماتی» و «مردم گرایی» است. اگرچه نظام اسلامی از ابتدای ظهور اهداف خود را بر طبق معیارها و ارزش‌های الهی معرفی کرد اما هویت و تجلی این ظهور از حضور مردم و اتکابه آرای عمومی جامعه حاصل آمد و از آنجا که جمهوری اسلامی ایران نظامی دینی و مردمی است پس ثبات و اقتدار آن نیز وابسته به حضور و مشارکت گسترده مردمی از طریق نمودهایی همچون انتخابات خواهد بود و کسی حق ندارد این ویژگی مهم نظام اسلامی را تضعیف نماید. بر این اساس ویژگی و اصل دوم این نظام یعنی «اسلامیت» و «دینی بودن» آن نیز حائز اهمیت بوده و به هیچ وجه خدش بودن نیست و قطعاً هر موضع گیری از سوی جناح‌ها و نهادهای موجود در این نظام باید با توجه به فرض خدش ناپذیر بودن هر دو اصل مذکور صورت پذیرد

در خصوص تفاوت جایگاه انتخابات در دو نظریه مردم سالاری دینی و دموکراسی غربی باید گفت این تفاوت ریشه در این دارد که مشروعت در دموکراسی غربی وابسته به خواست مردم است و اگر مردم حکومت را نخواستند — درست یا غلط — حکومت نامشروع تلقی می‌گردد و البته در این میان خواست واقعی مردم تحت الشاع خواست سرمایه داران و صاحبان زر و زور قرار می‌گیرد و با انواع فریب‌ها و نیز نگ‌ها تحریف می‌گردد. در حالی که در نظریه مردم سالاری دینی ملاک و معیار مشروعيت وابسته به رأی مردم نیست تابه سادگی مورد سوء استفاده قرار گیرد. در نظریه مردم سالاری دینی معیار مشروعيت حکومت، خواست الهی است. این نظریه، خداوند را حاکم مطلق و مالک همه چیز می‌شناسد و اگر او کسی را برای اجرای حکم الهی معین کرد حق حاکمیت خواهد یافت همچنان که مشروعيت حکومت پیامبر — صلی الله علیه و آله — از سوی خداوند متعال است نقش مردم در این جانه مشروعيت بخشی که تحکیم بخشیدن و استقرار حکومت الهی است. همین مشروعيت از زمان غیت از سوی خداوند و به واسطه امامان معصوم به ولی فقیه و اگذار شده و نظریه ولایت او مشخص کننده چارچوب شرعی نظام خواهد بود با این حال این ولایت و مشروعيت الهی چه در زمان غیت و چه در عصر حضور معصوم عامل نقی مشارکت سیاسی مردم نبوده است. مشارکت سیاسی مردم از صدر اسلام و با آغاز رسالت پیامبر اکرم — صلی الله علیه و آله — وارد حیات سیاسی مسلمانان و جامعه اسلامی شد اگر در عصر حضور معصوم مشارکت سیاسی و رأی مردم که در قالب بیعت تجلی می‌گردید در روند حیات سیاسی نقش داشت در عصر غیت نیز که در رأس

حکومت ولی فقیه حاکم است قطعاً این مشارکت که از طریق نمودهایی چون انتخابات تجلی می‌یابد، نقش خود را خواهد داشت با این توضیح که نقش این مشارکت در حکومت مردم سالاری دینی با دموکراسی غربی متفاوت است نقش مردم در حکومت مردم سالاری دینی نه مشروعیت ساز بلکه مقبولیت ساز و عامل تشکیل حکومت است و البته باید پذیرفت که از یک نظر چه در حکومت مردم سالاری دینی و چه در دموکراسی غربی -نتیجه به یک جا متنه خواهد شد و آن این که اگر مردم رأی به حکومت ندادند در هر حال حکومت تشکیل نخواهد شد لکن با توجه به آن که در دموکراسی غربی مردم مکلف و متعهد به انتخاب خاصی نیستند این امر مسئولیتی را متوجه آنان نخواهد ساخت اما در نظریه اسلامی مردم موظف و متعهد به پیروی از تکلیف الهی اند که در راستای استقرار حاکمیت عدل الهی گام بردارند.

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شباهت حوزه‌های علمیه